

گتوها، دانشگاه‌ها، ان‌بی‌ای، سه زمین برای یک ورزش رویای آمریکایی در آینه‌ی بسکتبال

ژولین بریگو (Julien Brygo)
برگردان: رضا اسپیلی



ورزش بسکتبال با حدود ۳۰ میلیون بازیکن تفریحی از جمله ورزش‌های مردمی در ایالات متحد است و بسته به اینکه روی پارک‌های باشگاه شیکاگو بولز بازی بشود یا در خیابان‌های گتوهای سیاهان یا در دانشگاه شهر کوچکی در ایالت ایندیانا کارکردهای اجتماعی کاملاً متفاوتی دارد.

نشسته روی تخت در اتاق مرتبش پسرک سیاه‌پوست غرق در نگاه به پرچم تیم محبوبش نیکس‌ها (Knicks) ی نیویورک است؛ لباس کریستاپس پُرزینگیس (Kristaps Porzingis) را به تن کرده، بازیکن لتونیایی تیم که در سال ۲۰۱۵ با شش‌ونیم میلیون دلار دستمزد سالانه به این تیم پیوست. پُرزینگیس در تبلیغاتی برای انجمن ملی بسکتبال (ان‌بی‌ای NBA) می‌گوید: «رویای همیشگی‌ام بوده، از وقتی کوچک بودم توپ را به دستم گرفتم و هیچ وقت زمینش نگذاشتم. همیشه همین‌طور است اگر سخت کار کنی همه‌چیز ممکن می‌شود حتی برای بازیکنی که از روستای کوچکی از لتونی می‌آید.»

امریکا شیفته‌ی آن است که تاریخ اجتماعی پر شور و نشاطی داشته باشد و بسکتبال این شیفتگی را ارضا می‌کند. فروشنده‌ی نیجریه‌یی که در یونان بساط پهن می‌کرد، جیانیس آنته توکومپو (Giannis Antetokounmpo) که تازه در سال ۲۰۰۷ با این ورزش آشنا شد، ده سال بعد تبدیل می‌شود به یکی از بهترین بازیکنان لیگ؛ کوتاه‌قدترین بازیکن لیگ، ایسایا تامس (Isaiah Thomas)، با ۱/۷۵ متر قد نامزد دریافت جایزه‌ی بهترین بازیکن سال ۲۰۱۷ می‌شود. کودکی که از مادر نوجوان به دنیا می‌آید و خانواده‌ی دیگری سرپرستی‌اش را به عهده می‌گیرد - لبرون جیمز (LeBron James) - به همان ایالت محل تولدش برمی‌گردد و به شهر کلیولند اولین مقام ورزشی‌اش را در بین تمامی ورزش‌ها اهدا می‌کند.

به لیگ حرفه‌یی بسکتبال امریکا خوش آمدید جایی که ارزش افزوده‌ی سی تیم لیگ یا حق امتیاز آنها (به ارزش ۳۶/۳ میلیارد یورو) از تولید ناخالص داخلی کشورهای مالی، سنگال و بورکینافاسو روی هم بیشتر است. به لطف استراتژی تعیین‌شده از سوی دیوید استرن (David Stern)، کمیسر انجمن ملی بسکتبال بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۱۴ که مبتنی بر ستاره‌سازی از بازیکنان و نمایش پیشرفت اجتماعی آنان بوده، پول خوبی تزریق شده است: درآمد سالانه‌ی حق امتیاز ان‌بی‌ای از ۱۵۰ میلیون یورو در اوایل سال‌های دهه‌ی ۸۰ به پنج‌ونیم میلیارد یورو در سال ۲۰۱۶ رسید. قراردادهای جدید حق پخش تلویزیونی که منبع اصلی ریزش پول به این انجمن هستند در طول نُه فصل به مجموع شگفت‌آور ۲۴ میلیارد دلار رسید.

این لیگ که در سراسر جهان دیده و از آن تقلید می‌شود رویای آمریکایی شایسته‌سالاری را تحقق‌یافته نشان می‌دهد. «از هر کجا که می‌خواهید به اینجا بیایید»، «اینجا روی عمل شما قضاوت می‌شود نه روی باورها یا ظاهرتان»، «توپ از آن همه است»، اینها جمله‌هایی است که حامی معروف لیگ، نایک، که یکصدوده میلیارد دلار سرمایه‌اش در بازار بورس بسیار مدیون توپ نارنجی است هر لحظه در اطراف و اکناف بمباران می‌کند. اما آیا هنوز برای کودکی که در محله‌های فقیر زاده می‌شود ممکن است که به ان‌بی‌ای بپیوندد؟

جمعیتی که در یک سده‌ی گذشته کمترین رشد قد را داشته

در آن سوی شیشه‌ی دودی سالن تمرینات تیم شیکاگو بولز، جیمی باتلر، دواین وید و بابی پورتیس (Chicago Bulls, Jimmy Butler, Dwayne Wade, Bobby Portis) روی صحنه ظاهر می‌شوند. روزی از ماه مارس ۲۰۱۷ است. در سالن آوای خشم‌آگین خواننده‌ی رپ، تی گریزلی (Tee Grizzley) طنین‌انداز است. درحالی‌که شوت ۳ امتیازی بازیکن تازه‌کار، کامرون پین (Cameron Payne) از فاصله‌ی بیش از هفت متری به ثمر می‌نشیند درخواست می‌کنیم که با وید، ستاره‌ی تیم، مصاحبه کنیم؛ بازیکنی که در محله‌ی فقیر جنوب شیکاگو به دنیا آمد و مثل یک قهرمان به محلش بازگشت. مسئول روابط باشگاه با رسانه‌ها کریستین دیل (Kristen Deahl) به ما جواب می‌دهد: «امکان ندارد.» درخواست می‌کنیم با باتلر صحبت کنیم که او هم از محله‌های فقیر می‌آید. «تازه همین ماه دسامبر به سوال‌های خبرنگاران و گزارشگران بین‌المللی جواب داد. فایل وُرد اش را برایتان می‌فرستم!» صحبت با بازیکن فرانسوی تیم هم: غیرممکن!

چند سال پیش مطالعه‌ی در مجله‌ی بین‌المللی جامعه‌شناسی ورزش به این نتیجه رسیده بود که ۶۶ درصد بازیکنان سیاه و ۹۳ درصد بازیکنان سفید از طبقات مرفه می‌آیند.^۱ در سال ۲۰۱۳ پژوهش دیگری نتایج این مطالعه را تایید کرد. ست استفنس داویدوویتس (Seth Stephens-Davidowitz) آمارشناس نوشت که «داده‌های آماری نشان می‌دهند که بافت اجتماعی - اقتصادی که ورزشکاران آینده در آن بزرگ شده‌اند نقش مهم‌تری دارند تا اشتیاق آنها به گرفتن انتقام اجتماعی... احتمال اینکه ورزشکاران سیاه‌پوستی که در ان‌بی‌ای بازی می‌کنند از مادری مطلقه یا نوجوان به دنیا آمده باشند ۳۰ درصد کمتر است از آفریقایی - آمریکایی‌های دیگر.^۲

این پژوهشگر شایستگی‌های غیرشناختی که پیشرفت کردن را وابسته به بافت اجتماعی - اقتصادی می‌داند که ورزشکار در آن رشد کرده برشمرده است: پشتکار و استقامت، خودتنظیمی، اعتمادبه‌نفس، همچنین قد، نشانی محل سکونت، نیروی جسمی و توانایی واکنش نشان دادن. «کودکان فقیر آمریکای امروز مواد غذایی به‌مراتب کم‌کیفیت‌تری از آنچه برای خط فقر در نظر گرفته شده می‌خورند که بی‌تردید در روند رشدشان موثر است. در بررسی‌های آماری مشخص شده که نرخ مرگ‌ومیر برای آنها بیشتر و میانگین وزن آنها در هنگام تولد پایین‌تر است. تازه‌ترین مطالعات نشان داده که فقر در آمریکا امروز باعث پایین آمدن قد ساکنان آن شده است.»

در سال ۲۰۱۶ مطالعه‌ی منتشرشده در مجله‌ی الکترونیکی ئی‌لایف (eLife) تایید کرد که آمریکایی‌ها به‌جای آنکه بلندقد بشوند چاق می‌شوند: در ۱۰۰ سال آینده میانگین قد آمریکایی‌ها از مقام سوم بلندقدترین ساکنان کره‌ی زمین به مقام سی‌وهفتم سقوط می‌کند (یک متر و هفتاد در سال ۱۹۱۴؛ یک متر و هفتاد و شش در سال ۲۰۱۶). براساس این مطالعه آمریکایی‌ها در عرض یک سال گذشته به علت رشد بی‌عدالتی و بی‌کیفیت شدن مواد غذایی کمتر از همه رشد کرده‌اند.^۳ درحالی‌که ورزشکاران کوتاه‌قد به‌خاطر اهمیت پرتاب‌های سه امتیازی در بازی مدرن هرچه بیشتر در سالن‌ها می‌درخشند اما همچنان مهم‌ترین معیار در بسکتبال قد ورزشکار است: «هر دوونیم سانتی‌متر بلندتر، احتمال ورود به دنیای ان‌بی‌ای را دوبرابر می‌کند.»

در ایندیاناپولیس به بازیکنان تیم پیسرز (Pacers) که در ان‌بی‌ای توپ می‌زنند همان‌طور که به همه‌ی ساکنان ایالت می‌گویند هوزیرز^۴. فیلمی مردمی به همین نام به کارگردانی دیوید انسیو روایتگر حماسه‌ی قهرمانی یک تیم مدرسه‌ی در کاپ قهرمانی ایندیانا است^۵: داوود سفید کوچک در برابر جالوت بزرگ سیاه. در سالن تمرین تیم پیسرز برای اینکه بتوان با معروف‌ترین بازیکن، بازیکن بی‌نظیر پست بال، پل جرج (Paul George) صحبت کرد باید فشار زیادی را در میان جمعیت تحمل کرد. «کد پستی؟ کدام کد پستی؟ برای اینکه بتونی بسکتبال بازی کنی نیازی به کد پستی خوب نیست.» با خنده‌ی عصبی خود را به سمت دیوار تبلیغات می‌رساند تا بگذارد که لوگوی اتحادیه‌ی اعتباری معلمان که یک جور صندوق مستمری است و نزدیک ارزش‌های

باشگاه "دقت، وفاداری، اعتماد، احترام، همکاری" چسبانده شده دیده شود. «موانع؟ نه هیچ مانعی سر راه من نبود.» کوین سرافین (Kevin Séraphin) بازیکن فرانسوی که یکی از ستون‌های تیم است کمی آن‌طرف‌تر ایستاده. قدش بلند است، ۲ متر و ۸ سانتی‌متر، اما به سوال از بالا نگاه نمی‌کند. «پدرم راننده‌ی لیفتراک بود و مادرم مغازه را اداره می‌کرد. ما هیچ‌وقت فقیر نبودیم آنطور که به فلاکت بیفتیم اما خب ثروتمند هم نبودیم. موقعیت اجتماعی هیچ ربطی ندارد کافیست سخت بازی کنی و موقع تمرین هم تیمی‌هایت را شارژ کنی. همین!»

سرافین متولد گویان از جمله بازیکنان فرانسوی است که در ان‌بی‌ای بازی می‌کنند؛ فرانسوی‌ها بعد از کانادایی‌ها مهم‌ترین بازیکنان خارجی هستند (از ۴۵۰ بازیکن لیگ ۱۱۳ بازیکن در سال ۲۰۱۶ خارجی بودند که خود یک رکورد است). از ده هموطن سرافین، بیشترشان مثل تونی پارکر، نیکلاس بتوم یا رودی گوבר (Tony Parker, Nicolas Batum, Rudy Gobert) فرزندان ورزشکاران رده‌بالا هستند. در سال ۲۰۱۶ از هر دو بازیکن ان‌بی‌ای دست‌کم یکی پدر یا مادرش ورزشکار حرفه‌ای بوده‌اند^۱ (این آمار در مورد ورزش فوتبال امریکایی یک بازیکن از هر پنج بازیکن است). این داده‌ی مهم به قول ژرژ ادی (George Eddy) که سی سال است صدای تلویزیونی بسکتبال آمریکا در فرانسه است به درک چشمه‌ی «قرعه‌ی بزرگ ژنتیک» کمک می‌کند. برای میلیون‌ها جوان امریکایی که در رویای پیشرفت اجتماعی از طریق بسکتبال هستند و اما در این آریستوکراسی ورزشی به دنیا نیامده‌اند فقط کافی نیست که «سخت کار کنند». بازدیدی از محله‌های فقیر شیکاگو زنده بودن و البته عبث بودن این رویا را در امریکای شمالی نشان می‌دهد.

برای رفتن به ورزشگاه استارز (Stars)، که تیم آماتوری است، باید از پل فلزی گذشت که خیابان هشتادوسوم را قطع می‌کند. ترنس هود (Terrence Hood) می‌گوید: «کسی ریسکی نمی‌کند که به آن طرف پل برود اینجا مرز بین دو قلمرو متخاصم است.» هود بنیان‌گذار و مربی این تیم است که در مسابقات اتحادیه‌ی ورزشی آماتور شرکت می‌کند. این لیگی است که حامیان تیم‌ها اداره‌اش می‌کنند و جایی است که بهترین نوجوانان کشور که معمولاً هنوز در سال‌های مدرسه‌شان هستند به مصاف هم می‌روند. او درحالی‌که معذب به نظر می‌رسد زمین بسکتبال ترک‌خورده‌ای را در ورودی پارک آوالون (Avalon) نشان‌مان می‌دهد: «تابلوها را کنده‌ایم تا از تجمع‌هایی که معمولاً منجر به بزهکاری می‌شود جلوگیری کنیم. از طرفی بچه‌های اینجا هیچ جای دیگری را ندارند که بتوانند بازی کنند.» شیکاگو با ۷۶۲ قتل در سال ۲۰۱۶ در مقایسه با مجموع ۶۰۰ قتل در دو شهر لس‌آنجلس و نیویورک در همه‌ی زمینه‌های جنایت رکورددار است. در چنین بافت اجتماعی وارد یک شغل ورزشی شدن برای بسیاری راه فرار بزرگ است.

«بازیکنان ان‌بی‌ای جرئت نمی‌کنند به محله‌شان برگردند»

با عینکی کوچک، ریشی تنک و گرمکنی کلفت، هود که همه به او می‌گویند مربی تی، زندگی‌اش را وقف بسکتبال کرده است با این هدف که «جوان‌ها را از خشونت باندهای تبهکار و دیگر مسائل منفی دور نگه دارد». این تابستان استارز در چند اردوگاه از دویست اردوگاهی که همه‌ساله نایک تدارک می‌بیند شرکت خواهد کرد. آنها همچنان به اردوگاه‌های آدیداس و آندر آرمور^۷ خواهند رفت همین‌طور به مسابقاتی که مارک‌های حامی بازیکنان حرفه‌یی ترتیب می‌دهند. او به بازیکنانش می‌گوید: «من شما رو به اردوگاه‌های تابستانی می‌برم برای اینکه آنجاهاست که مسئولان استعدادیابی دانشگاه‌ها می‌توانند شما را ببینند. نایک و آدیداس مسابقه ترتیب می‌دهند، لیگ درست می‌کنند. الان یک جفت کفش رایگان می‌خواهید، تی‌شرت‌های رایگان، جوراب ورزشی، لباس ورزشی می‌خواهید؟ خیلی خوبه؛ اما این فقط شما نیستید که اینها را می‌خواهید.» بازیکنان شیکاگو استارز باید جوری بازی کنند که بتوانند پس‌انداز هم بکنند؛ برای اینکه اردوگاه‌ها هزینه دارند حالا اگر هزینه‌های خود سفر را حساب نکنیم برای مثال ثبت‌نام هر تیم ورزشی به‌تنهایی ۷۰۰ دلار

هزینه دارد چیزی که برای بسیاری از خانواده‌ها خیلی گران تمام می‌شود و هود مجبور است برای پول جمع کردن در به در توی محل بگردد.

برای اینکه بتوان به جاه‌طلبی ورزشکار حرفه‌ی بودن جامه‌ی عمل پوشاند آیا باید در خانواده‌ی با منابع مالی کافی به دنیا آمد؟ پاسخ مربی تی این است: «دردآور است اما فکر می‌کنم که باید بگویم بله. ریشه‌های اجتماعی همه‌چیز را تعیین می‌کند. در هر حال بیشتر بازیکنان خوب محله‌های فقیر روحیه‌ی موفق شدن ندارند. کسی که در گتو زندگی می‌کند یاد می‌گیرد که برای موفق شدن باید خودخواه باشد و کوتاه‌مدت به مسائل نگاه کند درحالی‌که برای بقا در ان‌بی‌ای باید نگاه بلندمدت داشت. آنها چنین روحیه‌ای ندارند.» هدف نهایی هود این است که از طریق پیشنهاد بورس تحصیلی که به بازیکنانش می‌شود آنها بتوانند خودشان را پیدا کنند. به این منظور آنها باید به صورت فردی در زمین بدرخشند و نشان بدهند که اهل مبارزه‌اند و... اینکه در تمام مدت تحصیل‌شان نمره‌های خوبی داشته باشند^۱ «نسبت به موقعی که من جوان بودم چیزها تغییر کرده: الان باید هم در بسکت و هم در مدرسه خوب بود. اگر نمره‌های خوبی نداشته باشید می‌تواند راه شما را برای به دست آوردن کمک‌هزینه‌ی تحصیلی ببندد. پسر من به این ترتیب شانس‌اش را از دست داد.»

همانطور که اروین «مجیک» جانسون، عضو تیم رویایی^۲ سال ۱۹۹۲ نوشته «شانس ورود به ان‌بی‌ای خیلی کم است»^۱. در سال ۲۰۱۶ حدود یک‌صدم درصد از پانصد هزار دانش‌آموز پسر مدارس توانستند وارد لیگ معتبر شوند. مربی تی این میلیونرهای خوشبخت توپ نارنجی را به شکرانه‌ی اردویی که بچه‌هایش را در آن تعلیم می‌دهد مرتب به اردویش می‌آورد. «شاید همه‌ی آنها از گتو نیایند اما بیشترشان چرا. از طرف دیگر بازیکنان معروفی مثل جاباری پارکر یا آنتوان واکر جرئت نمی‌کنند به گتو بیایند. واقعاً برایشان خطر دارد. بچه‌ها از شان ناراحتند برای اینکه می‌دانند با این همه پولی که دارند برای محله‌شان کاری نمی‌کنند.»^۱ به نظر او «بازیکنان ان‌بی‌ای عروسک خیمه‌شب‌بازی هستند. همین‌که قرار است برای نمایشی چیزی بیایند همیشه یک نفر از ان‌بی‌ای پشت آنهاست که به آنها بگوید این کار را بکن یا آن کار را بکن که مجبورشان کند دو سه باری با بچه‌ها توپ را به سبد بیندازند. فقط آخرش می‌آیند برای اینکه "کلیک کلاکی" کرده باشند و ژستی گرفته باشند، درحالی‌که اردوگاه نام آنها را بر خود دارد. آنها نماینده‌ی یک مارک، یک تجارت هستند. مردم که احمق نیستند.»

حضور در ان‌بی‌ای در آغاز، در سال ۱۹۴۶ که ایجاد شد برای بازیکنان سیاه قدغن بود. در سال ۲۰۱۷ بازیکنان سیاه ۷۴ درصد بازیکنانی را که قهرمان می‌شوند تشکیل می‌دهند.

یان دکام (Yann Descamps) پژوهشگر فرانسوی و نویسنده‌ی پایان‌نامه‌ی دکترای به نام «آیا به اندازه‌ی کافی برای شما سیاه هستم؟» (دانشگاه سوربن، ۲۰۱۵) می‌نویسد: «در این زمینه تفاوت وجود دارد. بسکت دانشگاهی را بسکت سفید می‌دانند و بسکت ان‌بی‌ای را بسکت سیاه. ورزشی را که سفیدپوستان اختراع کردند در یک‌صدم سال تبدیل شده است به مشخصه‌ی فرهنگی خیلی مهمی برای اقلیت آفریقایی – آمریکایی‌ها. به طرز متناقضی، سیاهان که قدرت را در این زمینه تصرف کرده‌اند، خود را در سرمنون اجتماعی که گفتمان رسانه‌ای به آنها تحمیل می‌کند زندانی می‌بینند: تبهکار، خواننده‌ی رپ و بازیکن بسکتبال.»

در ایندیانا فرزند کشیش یا پزشک

قلب پیشتازان بسکتبال در ایندیانا می‌تپد: ایالتی سفید، مسیحی و روستایی. این ورزش ابتدایی را استاد ژیمناستیک دانشگاه اسپرینگ‌فیلد (Springfield) ماساچوست در سال ۱۸۹۱ و در لوای انجمن مسیحیان جوان اختراع کرد. جیمز نس‌میت (James Naismith) در زمستان‌های سخت ایندیانا بین فصل فوتبال و بیسبال به دنبال فعالیت‌ی فیزیکی برای دانشجویانش می‌گشت. بسکتبال در اصل و در ابتدا ورزشی سالنی است که در

آن توپ‌ها را به سبدهای شکار که از ارتفاع ۳ متر و ۵ سانتی‌متری آویزان شده می‌اندازند. مبلغان انجمن مسیحیان جوان (YMCA) این ورزش را از شمال شرقی آمریکا با خود به سراسر جهان منتقل کردند. بسکتبال با بیشتر از ۴۵۰ میلیون دارنده‌ی پروانه در سال ۲۰۱۳ بعد از فوتبال دومین ورزش جمعی جهان است. ماریون شهری است با ۳۰۰۰۰ نفر جمعیت، صد تایی کلیسا، مرکز شهری برهوت، ده‌ها مرکز تجاری کوچک و یک کارخانه‌ی جنرال موتورز.

اینجا سبدهای بسکتبال را همه‌جا می‌بینید: روی برج‌های برق فشار قوی، روی دیوار سرویس کارخانه‌ها، گوشه‌ی خیابان، در حیاط خلوت خانه‌ها؛ همه‌جا. در این شهر دو تیم معتبر رشد کرده‌اند: جاینتز (Giants)، تیم دانش‌آموزی که ۱۱۲ سال است مسابقه می‌دهد و هشت بار قهرمان ایندیانا شده و تیم وایلد کتس (Wildcats)، تیم دانشگاهی که از سال ۲۰۱۳ تا به حال دو بار در رده‌ی ملی قهرمان شده است. ورزشگاه تیم جاینتز با ۸ هزار صندلی یکی از بزرگترین ورزشگاه‌های کشور است. جیم برونر (Jim Brunner) با ۴۶ سال سابقه‌ی روزنامه‌نگاری ورزشی و گزارشگری بازی‌های محلی می‌گوید: «هرجا که کارخانه‌ی جنرال موتورز دیدید آنجا یک باشگاه بسکتبال هم هست.»

«در استادیوم جاینتز کارفرمای مولتی‌میلیونر شرکتی را می‌بینید که کنار کارگری که ساعتی ۱۰ دلار بیشتر حقوق نمی‌گیرد نشسته است. بسکتبال تمام مرزهای اجتماعی را کمرنگ کرده است. متوجه هستید چه می‌گویم؟» در پارکینگ رادیو، فورد موستانگ زرد قناری‌اش این شعار را نشان می‌دهد: «عظمت را به آمریکا برگردانیم.»

برونر مانند رابرت نایت مربی سابق تیم هوسیرز که در میتینگ‌های نامزد جمهوری خواه شرکت می‌کرد یکی از طرفداران سرسخت داندل ترامپ است و این برخلاف نظر بیشتر بازیکنان ان‌بی‌ای است که به شدت مخالف رئیس‌جمهور جدید هستند. باید گفت که ترامپ از هیچ کوششی برای اغوای ساکنان ایندیانا فروگذار نکرد، مثل چند برابر کردن میتینگ‌هایش یا محکوم کردن برون‌سپاری که این ایالت صنعتی را تهدید می‌کند و یا نامیدن فرماندار اینجا، مایک پنس، به سمت معاونتش. برونر می‌گوید «در ان‌بی‌ای بازیکنان بیشتر دموکرات هستند و مدیران و صاحبان باشگاه‌ها بیشتر جمهوری خواه. پدیده‌ی ست که بیشتر به سن ربط دارد، جوان‌تر که باشید کمتر محافظه‌کار هستید، به نظرم منطقی‌ست. اینجا کار نیست. اوایل سال‌های ۹۰ مدرسه‌ی ماریون پنجمین مدرسه‌ی بزرگ ایندیانا بود، امروز از نظر تعداد دانش‌آموزان نودمین مدرسه در ایالت است. تعداد دانش‌آموزانش از سه هزار به کمتر از ۱۰۰۰ نفر رسیده است.»

در ماریون تیمی که برونر هر روز صبح گزارش‌اش می‌کند، یعنی تیم دانشگاه وزلی^{۱۲} ایندیانا (IWU) از چند جهت یادآور آموزش‌های حرفه‌ی است. حامیان مالی وایلد کتز حامیان بخشنده‌ی‌اند که از میانشان می‌توان به والت بتینگر، رییس چارلز شواب (Walt Bettinger, Charles Schwab) که موسسه‌ی حق‌العمل‌کاری در بورس است اشاره کرد. در زمین، پسرهای خانواده‌های سربه‌زیر^{۱۳}، پسرهای خانواده‌های کوچک طبقه‌ی متوسط، پسرهای کارگران، کشیش‌ها، پزشک‌ها، در کنار هم بازی می‌کنند و همه سفید هستند. در هر دو طرف می‌توان دو بازیگر سیاه‌پوست دید: یکی از سودان می‌آید، کشوری که ان‌بی‌ای در آنجا در جست‌وجوی استعداد است و دومی از نیجریه. برای به وجود آوردن «کیمیا»ی مناسب برای برد، مربیان دانشگاه در تعطیلات بین لیگ ایندیانا به دنبال استعدادهای جدید هستند. جف کلارک کمک‌مربی می‌گوید «ما مثل حرفه‌ی‌ها مطالعات خیلی پیشرفته‌ی نمی‌کنیم. آنها تا آنجا پیش می‌روند که دوست‌دختر قدیمی بازیکنان را پیدا کنند تا بلکه روحیات واقعی بازیکنان را دریابند. برای ما بسکتبال وسیله است. ما به بچه‌هایمان نظریه‌ی "من سومی هستم" را آموزش می‌دهیم: اول خدا، دوم تیم و بازیکن در مقام سوم. به آنها می‌گوییم اگر می‌خواهید اولی باشید اول راهی پیدا کنید که سومی باشید. در زمین اگر پنج بازیکن باشند که برای خودشان بازی می‌کنند این بازی هیچ شباهتی به بازی پنج بازیکنی ندارد که برای دیگران بازی می‌کنند.»

به همراه کلارک به مأموریت استعدادیابی‌اش به شهر رنسلار (Rensselaer)، شهری کوچک در ایندیانا می‌رویم. دانشگاه سن جوزف که قدمتی ۱۲۵ ساله دارد اعلام ورشکستگی کرده است. غرق در بدهی، حامیان مالی متوجه می‌شوند که آه در بساط نیست. در نتیجه بازی ۲۴ فوریه ۲۰۱۷ به‌عنوان آخرین بازی تاریخ تیم پوما، تیم دانشگاه سن جوزف که طبیعتاً بعد از بسته شدن دانشگاه وجود نخواهد داشت، اعلام می‌شود. کلارک تمرکزش بر بازیکنان بلندقد است. «اسمش نیک است و دو متر و یک سانتی‌متر قد دارد. به بازیکنان بلندقد نیاز داریم که کمیاب‌تر و کمیاب‌تر می‌شوند. از خودم می‌پرسم حالا که او می‌داند تیمش قرار است منحل بشود با چه روحیه‌یی بازی خواهد کرد و در زمین و بیرون آن چطور رفتار خواهد کرد.»

آن شب تیم دختران و پسران دانشگاه سن جوزف همه‌ی بازی‌هایشان را بردند. نوجوان‌ها با چشم‌های گریان نقش‌های با هشتگ «#پوما جاودان، برای همیشه» (Forever #PumasForLife) را در دست داشتند، تماشاچیان وفادار که بیشتر از ده‌ها سال روی صندلی‌های مخصوص به خود نشسته بودند برای آخرین بار از جای خود برخاستند و کلارک به نیک، بازیکن شماره ۴۲ آفرین گفت و برای او آرزوی موفقیت کرد. «واقعاً در بازی خودش غرق بود اما بازیکنان دیگر اینطور نبودند. از خودم می‌پرسم با بچه‌های تیم ما چطور بازی خواهد کرد.» اما چیزی جف را اذیت می‌کند: «می‌گویند که دو متر و یک سانتی‌متر قد دارد اما رفتم کنارش ایستادم و فکر نمی‌کنم انقدر بلند باشد. خیلی ممکن است که در مورد قدش دروغ گفته باشد. ۳ یا ۴ سانتی‌متر بیشتر در بسکتبال همه چیز را تغییر می‌دهد!»

گرمکن مناسب ضروری!

در سال‌های پایانی دهه‌ی نود انجمن ملی بسکتبال امریکا، ان‌بی‌ای، شهرت خوبی ندارد. بیشتر ستاره‌هایش به زدو خورد و مسائل مربوط به تجاوز و مصرف کوکائین متهم‌اند. ورزشگاه‌ها تا نصفه از جمعیت خالی‌اند و بازی‌ها خیلی خشن هستند. خیلی‌ها از خود می‌پرسند که آیا ان‌بی‌ای پس از بازنشسته شدن مایکل جردن، این الگوی مرضی‌الطرفین که ثروتی هم به هم زده باز بقا پیدا می‌کند؟ لیگ مجازات بازیکنانی را که نامناسب تشخیص داده می‌شوند، بازیکنانی مانند ران آرتست (Ron Artest) و اُ جی میو (O. J. Mayo) تشدید می‌کند درحالی‌که بازیکنان سیاسی مانند کریگ هادجز (Craig Hodges) کم‌کم طرد می‌شوند. هادجز که در سال ۱۹۹۲ از لیگ طرد شد، جسارت کرده با بوبو^{۱۴} به کاخ سفید رفته و نامه‌یی در محکومیت جنگ امریکا «علیه فقرا، علیه سرخپوستان، بی‌خانمان‌ها و به‌ویژه علیه آفریقایی – آمریکایی‌ها» به رئیس‌جمهور بوش داده بود.

در نوامبر ۲۰۰۴ در جریان بازی زدو خوردی شدید بین بازیکنان دترویت و ایندیاناپولیس درمی‌گیرد چنان‌که کار به دادگاه می‌کشد. کمیسر- ان‌بی‌ای، دیوید استرن، به یکی از سرویس‌های مشاوران رئیس‌جمهور بوش متوسل می‌شود تا پیوندها با مردم را ترمیم کند که از این افسارگسیختگی خشونت شوکه شده‌اند. قواعد متعددی تبیین می‌شوند که از الزام به پوشش مناسب آغاز می‌شود هرچند خیلی از بازیکنان آن را نژادپرستانه می‌دانند، همچنین استفاده از نمادهای فرهنگ گتوهای سیاه یعنی دو - رگز (do-rags) دستمالی که دور سر می‌بندند، گرمکن‌های نامربوط به تیم‌ها، کلاه کاسکت، شلوار بگی، مدال، عینک، سبد و... ممنوع و استفاده از آنها با جریمه همراه می‌شود. پوشیدن لباس رسمی برای بازیکنان به هنگام حضور در مکان‌های عمومی الزامی می‌شود. و برای جهت دادن به تعهد اجتماعی بازیکنان، استرن «برنامه‌ی مراقبت ان‌بی‌ای» ("NBA Cares") را ایجاد می‌کند (با هزینه‌ی ۲۷۰ میلیون دلاری بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۷)، برنامه‌ی بشردوستانه که بازیکنان را مجبور می‌کند در بیمارستان‌ها یا کلانتری‌ها، یا در مناطقی که فاجعه‌ی طبیعی رخ داده اقدامات خیریه انجام دهند.

بیش از ده سال پس از اجرای قانون پوشش، تماشاچیان اطمینان یافته بازگشته‌اند. همین‌طور تلویزیون. حالا دلار است که بر ان‌بی‌ای که نمادش تنوع است می‌بارد. از زمان ریاست جمهوری اُاما به بعد خیلی از آمریکایی‌ها ان‌بی‌ای را لیگ قهرمانی مترقی‌یی می‌دانند. سازمان لیگ در سال ۲۰۱۴ از مالک تیم لس‌آنجلس کلیپرز (Los Angeles Clippers) به خاطر تمایلات نژادپرستانه، سلب مالکیت کرد. دو سال بعد، از برگزاری بازی ستاره‌های لیگ (All Star Game)^{۱۵} در کارولینای شمالی جلوگیری کرد چون که این ایالت قانون مخالف همجنسگرایان و ترانس‌ها را به اجرا گذاشته بود. همچنین بازیکنانی را که روی گرمکن‌های تمرینی‌شان پیام‌های حمایت از جنبش «زندگی سیاهان مهم است» (Black Lives Matter) می‌چسبانند یا آنها که مخالفت‌شان را با ترامپ بیان می‌کنند تنبیه نمی‌کند. اما بازیکنان لیگ زنان این شانس را ندارند. در ژوئیه‌ی ۲۰۱۶ سه تیم فینیکس مرکوری (Phoenix Mercury)، ایندیانا فیور (Indiana Fever) و نیویورک لیبرتی (New York Liberty) برای اینکه بعضی بازیکنانشان عبارت #می‌توانم نفس بکشم (#Icantbreathe)^{۱۶} را به گرمکن‌هایشان چسبانده بودند هر یک ۵۰۰۰ دلار و بازیکنان هم هر یک ۵۰۰ دلار جریمه شدند.

نیکلا مارتن – برتو، تاریخ‌دان ورزش می‌گوید: «فعالیت سیاسی ورزشکاران امروز را که با ورزشکاران دهه‌ی شصت مقایسه کنیم مثل مقایسه‌ی شب است با روز. اما در بافت جامعه‌ی امروز امریکا، ان‌بی‌ای کمابیش لیگی سوسیالیست به نظر می‌رسد.^{۱۷}» تعهد همیشه هم به زیان مالی نیست. مثال

کالین کپرنیک (Colin Kaepernick)، بازیکن پُست کوارتربک در بازی قهرمانی فوتبال آمریکایی جالب است. او در اعتراض به خشونت پلیس دو مرتبه هنگام نواخته شدن سرود ملی از ایستادن سر باز زد و از آن پس لباس ورزشی او در بین تمام ورزشکاران فوتبال آمریکایی فروش بیشتری داشته درحالی‌که او تقریباً بازی هم نمی‌کند.

آیا بازیکنان ان‌بی‌ای همان‌طور که واشینگتن پست می‌گوید «سیاسی‌ترین بازیکنان در بین ورزشکاران حرفه‌یی» هستند؟ دریموند گرین (Draymond Green) بازیکن قدرتمند پست بال تیم گلدن استیت وریورز (Golden State Warriors) قهرمان ان‌بی‌ای در سال ۲۰۱۵) بیان می‌دارد که «سیاست و بسکتبال دو چیز کاملاً متفاوت هستند و بیشتر بازیکنان چیزی از سیاست نمی‌دانند پس بهتر است از آن حرفی نزنند.» اما استفن کوری (Stephen Curry) که چیزی نمانده به ماهرترین بازیکن تاریخ تبدیل شود نظری خلاف مایکل جردن دارد: «هرروز میکروفن‌ها به سمت ما می‌آیند، مردم منتظرند ببینند ما چه می‌گوییم، با نظر سیاسی ما موافق باشند یا نباشند، پس باید تا آنجاکه می‌توانیم از سیاست استفاده کنیم.» به نظر شون لیوینگستون (Shaun Livingston) همبازی او، ورزشکاران هرچه بیشتر می‌کوشند تا آنچه را که بیرون زمین اتفاق می‌افتد درک کنند: «از من می‌پرسید ما برای موضع گرفتن باید ابتدا پیام‌های اجتماعی دیگری تعلق داریم.» لیوینگستون از الان اعلام کرده که اگر تیمش در فینال ان‌بی‌ای، که در ماه ژوئن برگزار می‌شود، برنده شود به کاخ سفید نخواهد رفت.

پی‌نوشت

1. Joshua Kjerulf Dubrow et Jimi adams, "Hoop inequalities: Race, class and family structure background and the odds of playing in the National Basketball Association", *International Review for the Sociology of Sport*, vol. 4, no 1, Thousand Oaks (California), 2012.
2. Seth Stephens-Davidowitz, "In the NBA, zip code matters", *The New York Times*, 2 novembre 2013.
3. "A century of trends in adult human height", 26 juillet 2016, www.elifesciences.org

همچنین نک.

Benoît Bréville, "Obésité, mal planétaire", *Le Monde diplomatique*, septembre 2012.

4. Hoosiers, در آمریکا به اهالی ایالت ایندیانا می‌گویند، به معنی دهاتی، کوچک و خرفت.
5. Hoosiers, ساخته‌ی سال ۱۹۸۶ به کارگردانی دیوید انسپو (David Anspaugh) و با بازی جین هکمن در نقش مربی تازه‌ی تیم و باربارا هرشی و دنیس هوپر که برای بازی در این فیلم نامزد جایزه‌ی اسکار شد. کتابخانه‌ی کنگره‌ی آمریکا که مسئول بنیاد ملی ثبت فیلم است این فیلم را به علت «اهمیت فرهنگی، تاریخی و زیبایی‌شناسانه‌اش» برای حفظ و نگهداری در این بنیاد انتخاب کرد.
6. Van Jensen et Alex Miller, "Why basketball runs in the family", *The Wall Street Journal*, New York, 13 juin 2016.
7. Under Armour؛ شرکت آمریکایی سازنده‌ی کفش ورزشی و وسایل ورزشی دیگر.
8. در آمریکا بر اساس آمارهای رسمی درصد حضور اولین فرزندان که از خانواده وارد دانشگاه می‌شوند (که بهشان می‌گویند first gens) در تیم‌های سطح اول دانشگاهی (که منبع بازیکن‌یابی در ان‌بی‌ای هستند) بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ از ۲۸ به ۱۹ درصد کاهش یافته است. www.ncaa.org, 10 mars 2017, "Men's basketball".
9. تیم رویایی (dream team) نامی است که به تحسین‌شده‌ترین تیم در تاریخ ورزش مدرن داده شده است. در این تیم برای نخستین بار بزرگترین بازیکنان ان‌بی‌ای، مجیک جانسون، مایکل جردن، لری برد و... گرد هم آمده بودند تا برای تیم ملی آمریکا در المپیک سال ۱۹۹۲ بارسلون هم‌بازی بشوند.
10. Earvin "Magic" Johnson (avec William Novak), *My life*, Fawcett, New York, 1993.

همچنین نک. فیلم مستند زیر:

Steve James, *Hoop Dreams* (1994), KTCA Minneapolis Kartemquin Films.

۱۱. جرمن اونیل، بازیکن تیم ایندیانا در سال ۲۰۰۷ گفت: «همین‌که از محله‌مان بیرون می‌آییم [برای بچه‌محل‌هامان] می‌شویم گوشت شکار». همچنین نک.

Pascal Giberné, "La psychose des basketteurs de NBA, ciblés d'agressions", *Le Monde*, 7 janvier 2008.

۱۲. یعنی دانشگاهی که بر اساس آموزه‌های جان وزلی (John Wesley ۱۷۹۱-۱۷۰۳)، الهی‌دان پروتستان انگلیسی و خالق روش آموزشی «متدیسم» تدریس می‌کند.

۱۳. bonne famille، در فرانسه به خانواده‌های طبقه‌ی متوسط رو به بالا، کاتولیک و همواره مطیع قانون و بی‌دردسر می‌گویند. در هر دو مفهوم مثبت و طعنه‌آمیز به کار می‌رود.

۱۴. boubou؛ تن‌پوش مردان در بسیاری از کشورهای آفریقایی که یکسره و گشاد است، چیزی شبیه به دشداشه در کشورهای عرب خلیج فارس.

۱۵. بازی نمادین بین بهترین بازیکنان لیگ که در زمان تعطیلات میان لیگ برگزار می‌شود.

۱۶. اریک گارنر، قربانی خشونت پلیس در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۴ در نیویورک یازده بار تکرار کرد که «می‌توانم نفس بکشم». این جمله از آن پس یکی از شعارهای جنبش «زندگی سیاهان مهم است» شد.

۱۷. نک.

Nicolas Martin-Breteau, « Un 'spor noir'? Le basket-ball et la communauté africaine-américaine », *Transatlantica*, Paris, 2/2011.